

در خواست مادر و فرزندان برای قصاص پدر

گروه حوادث/مرد عصبانی که به قصد قتل، همسرش را با ضربه‌های قمه تا یک قدمی مرگ کشانده بود، با شکایت زن جوان و دو فرزندش پای میز محاکمه رفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از آذر سال گذشته با گزارش یک درگیری خانوادگی آغاز شد. پس از حضور مأموران مشخص شد که مردی به نام نادر با ضربه‌های قمه همسرش میترا را مورد ضرب و شتم قرار داده به طوری که وی دچار قطع عضو به سرش آسیب جدی وارد شده است. نیروهای اورژانس میترا را که در کما بود به بیمارستان منتقل کردند سپس شوهرش بازداشت شد. وی در همان ابتدا به اتهامش اعتراف کرد و پس از تکمیل تحقیقات و اعتراف متهم، پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای جلسه دادگاه میترا و دو فرزندش با شکایت از متهم خواستار حکم اشد مجازات برای او شدند. همسر متهم به قضات گفت: وقتی دانشجوی کارمند بودم نادر به خواستگاری آمد و با هزار قول وعده خوشبختی باهم ازدواج کردیم بعد از مدتی برادر شدم اما او به یکباره رفتارهایش تغییر کرد به طوری که من در اواخر دوران بارداری با حالت قهر به خانه پدرم رفتم پس از تولد فرزندانم که دوقلو بودند او به خانه پدرم آمد و مرا به خانه برگرداند. فرزندانم ۲ ماهه بودند که نادر با تهمت و افترا مدعی شد آنها فرزندان من نیستند. او بچه‌ها را که نوزاد بودند شکنجه می کرد و من به می گفتم اگر اعتراف نکنی، آنها را می کشم. وقتی موضوع را با برادرش در میان گذاشتم، او پادرمیانی کرد و مدتی هم وضع زندگی‌ام خوب بود اما دوباره رفتار عجیب نادر شروع شد. چند سالی این وضع ادامه داشت تا اینکه روز حادثه با قمه به جانم افتاد و کاری کرد که سه ماه در کما بودم.

پس از آن پسر متهم به جایگاه رفت و در تأیید حرف‌های مادرش گفت: در خیابان بودم که مادرم تماس گرفت و من بلافاصله به سمت خانه حرکت کردم اما ۵ دقیقه دیر رسیدم وقتی وارد خانه شدم مادرم در حال مرگ بود انگشتانش را قطع کرده بود آنقدر صحنه وحشتناکی بود که بعد از یکسال هنوز بدون قرض نمی توانم بخوابم.

دختر متهم نیز عنوان کرد: پدرم مردی عصبانی بود و به هیچ کس رحم نمی کرد. در سال ۹۴ بینی و دنده‌هایم را شکست اما من شکایت نکردم اما حالایه خاطر رفتاری که با مادرم انجام داده و تا دم مرگ او را کشانده، از او شاکمی و خواهان مجازات او هستم. پس از صحبت‌های شاکمی‌های پرونده، وکیل آنها خاطر نشان کرد: صحنه جنایت نشان می دهد که متهم صرفاً برای قتل همسرش به خانه آمده بود و حالا هم تقاضای قصاص و دیه را داریم. با توجه به اینکه در این جلسه متهم نتوانست از خودش دفاع کند، ادامه رسیدگی به این پرونده به جلسه دیگری موکول شد.

دستگیری عاملان قتل شهردار دهنز

گروه حوادث/ عاملان قتل شهردار دهنز از سوی مأموران انتظامی شهرستان ایزد دستگیر شدند.

یارمحمد رسالتی، دادستان ایزد در این باره گفت: ۴ متهم که با تیراندازی در یکی از خیابان‌های این شهر باعث جان باختن شهردار دهنز شده بودند با تلاش شبانه روزی مأمورین نیروی انتظامی دستگیر و به مقامات قضایی معرفی شدند. به گفته دادستان ایزد دستگاه قضایی با مخلان امنیت جامعه برخورد صریح و قاطعی دارد.

حدود ساعت ۱۴ روز ۱۹ دی مأموران نیروی انتظامی شهرستان ایزد در استان خوزستان در خیابان شهید قریبوندی در حال گشتزنی به خودرویی که حامل سارقان مسلح بود مشکوک شدند که پس از دستور ایست مأموران پلیس، افراد مسلح درون خودرو با مأموران نیروی انتظامی درگیر می شوند و در این درگیری تیراندازی از سوی طرفین صورت می گیرد. در پی این تیراندازی فرهاد نقدی، شهردار دهنز که در رستورانی در طرف دیگر خیابان حضور داشت به طور تصادفی مورد اصابت گلوله قرار گرفت که پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

برخورد مرگبار دو شناور در خمیر

گروه حوادث/ در برخورد شناور صیادی با شناور دریابانی در محدوده اسکله پل از توابع شهرستان خمیر یک نفر کشته و یک نفر زخمی شدند. میرهاشم خوساوتار، فرماندار بندر خمیر در تشریح این حادثه به ایرنا گفت: سهشنبه شب هنگام خروج شناور صیادی از توقفگاه بندریل و ورود همزمان شناور دریابوردی برخورد شدیدی بین آنها رخ داد که یک نفر از شناور صیادی کشته و یک نفر از دریابانی هم زخمی شد.

وی ادامه داد: شناور صیادی به هنگام خروج از توقفگاه چراغ روشنایی نداشته و با شناور دریابانی در خارج از توقفگاه و در محدوده بندر پل خمیر برخورد کرده و این حادثه ناگوار رخ داده است. تحقیقات برای بررسی علت اصلی حادثه ادامه دارد.

مرگ کارگر معدن در قم

گروه حوادث/ شش کارگر معدن شن و ماسه در روستای طینوج در بخش دستجرد استان قم چنین انجام کار بر اثر گازگرفتگی کشته و مصدوم شدند. به گزارش ایلنا، حوالی ساعت ۱۳:۲۴ روز سه‌شنبه ۲۱ دی شش کارگر در روستای طینوج (چهارد) در ۶۵ کیلومتری استان قم بر اثر انتشار گاز سمی کشته و مصدوم شدند.

«حمیدرضا باقری» رئیس مرکز حوادث و فوریت‌های پزشکی قم در این باره به رسانه‌ها گفته است: در این حادثه یک مرد ۳۳ ساله بر اثر مسمومیت شدید با گاز مونوکسیدکربن جان خود را از دست داد و ۵ کارگر دیگر مسموم شده‌اند که یکی از آنها بدحال بوده و با اورژانس هوایی به مرکز درمانی منتقل شد.

پنجاه و دومین مرحله از طرح رعد اجرا شد

سرقت‌دوربین پلیس

برای خرید لباس

گروه حوادث/ ۶۳۴ سارق و مالخر در پنجاه و دومین طرح رعد پلیس پایتخت در حالی بازداشت شدند که آمارها از افزایش سرقت‌های خرد در ۹ ماه گذشته خبر می دهد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح دیروز در حاشیه پنجاه و دومین مرحله از طرح رعد پلیس سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس پایتخت، با اعلام این آمار گفت: امسال ۲ درصد در سرقت‌های خرد و ۲۰۷ درصد در سرقت‌ها افزایش داشته‌ایم. از مجموع ۶۳۴ سارق و مالخر دستگیر شده در این طرح ۱۳ درصد آنها موبایل قاپ هستند. همچنین ۳۲ باند شناسایی و بالغ بر هزار و ۸۹۷ فقره سرقت، ۴ قبضه سلاح جنگی و ۵۰ قبضه سلاح سرد و ۶۸ عدد فشنگ هم در این طرح کشف شد. ۲۶ محکوم متواری نیز دستگیر شدند و ارزش اموال سرقت مکشوفه ۱۶ میلیارد تومان تخمین زده می شود.

سرقت با کارت ساختگی

۲۹ سال دارد و ۱۰ سال از عمرش را پای بساط هروئین گذرانده است. ۵ بار بازداشت شده و هر بار به یک شیوه و شگرد سرقت‌هایش را اجرا می کرد. آخرین بار که از زندان آزاد شد، شگردی جدید یاد گرفت و این بار سرقت‌هایش را با این شیوه اجرا کرد.

جدیدترین شیوه سرقت‌هایت چه بود؟

قوطی‌های پلاستیکی مایع ظرفشویی را می بردیم و از آنها کارت‌هایی درست می کردیم و در خانه‌ها را باز کرده و

سرقت با کارت ساختگی

وارد خانه‌ها می شدم. کارت‌ها را در محل زبانه قفل بین دو لنگه در می کشیدیم و درهای ورودی ساختمان‌ها باز می شد. بعد وارد خانه‌ها می شدم و کفش‌های جلوی در واحدها و دوچرخه‌های داخل پارکینگ‌ها را به سرقت می بردم. گاهی اوقات هم اگر واحدی درش باز بود وارد می شدم که با افراد کسی داخل خانه نبود سرقت می کردم و اگر هم بود با فریاد صاحبخانه فرار می کردم.

چه خانه‌هایی را برای سرقت انتخاب می کردی؟

هر خانه‌ای که با کلید ساختگی‌ام درهایش باز می شد.



این شگرد را از کجا یاد گرفتی؟

در زندان، آنجا هر آموزشی بخوای می بینی، این مدل سرقت را هم از آنجا یاد گرفتم.

سرقت دوربین‌های راهنمایی و رانندگی

اعضای یک باند دوربین‌های کنترل سرقت راهنمایی و رانندگی را با پایه‌های آهنی‌اش سرقت می کردند. سرقت‌هایی که رأس ساعت ۴ صبح رقم می خورد و بعد از اجرای نقشه، پایه‌های بریده شده دوربین‌ها و دوربین‌ها داخل وانت‌های اجاره‌ای قرار داده می شد و به مبالغی پایین به فروش می رفت. کیوان یکی از سه متهمی است که این سرقت‌ها را انجام می داد.

سرقت را چطور انجام می دادید؟

با کم‌کم اهر پایه آهنی را می بردیم و داخل وانت کرایه‌ای می گذاشتیم.

مگر دوربین‌ها کار نمی کردند؟

ما دوربین‌هایی را انتخاب می کردیم که قطع یا خراب بودند. برای مشخص شدن این موضوع هم با سرعت زیاد از جلوی دوربین رد می شدیم اگر عکس می گرفتند که مشخص بود سالم هستند اما اگر عکس نمی گرفتند، آنها را برای سرقت انتخاب می کردیم.

چه شد که تصمیم به سرقت گرفتید؟

برای پول و مادیات. من عاشق پوشیدن لباس‌های مارکدار هستم، از آنجایی که توانایی خرید آنها را نداشتم هر چه پول از سرقت‌ها بگیرم می آمد خرج لباس‌های مارکدار می کردم.

از هر سرقت چقدر گرفت می آمد؟

حدود ۳۰۰ هزار تومان. گرچه پول زیادی نبود اما به مغازه‌های دست دوم فروشی میدان گمرک می رفتم و لباس‌های مارکدار دست دوم می خریدم.

افشای راز قتل راننده اینترنتی

با اعترافات زن مسافر



گروه حوادث/ راز قتل مرزبان راننده خودروی اینترنتی پشت فرمان خودروش بعد از حدود یک ماه با اعترافات زن جوانی فاش شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح ۶ آذر امسال یکی از کارگران فضای سبز شهرداری با دیدن خودروی پرایدی که در کنار خیابان رها شده بود به موضوع مشکوک شد و پس از نزدیک شدن به خودرو ناگهان بدن خونین مرد جوانی را پشت فرمان دید که با طناب به صندلی بسته شده بود. وی با دیدن این صحنه بلافاصله به پلیس ۱۱۰ خبر داد. قایقی بعد مأموران کلانتری ۱۳۳ شهرزیا

با حضور در محل تحقیقات خود را آغاز کردند. با اعلام موضوع به بازپرس مصطفی واحدی تیم بررسی صحنه جرم نیز راهی محل شدند. نخستین بررسی‌ها نشان داد جسد متعلق به مرد ۴۰ ساله‌ای به نام بهرام بوده که با ضربات متعدد چاقو به شکم و قفسه سینه به قتل رسیده بود. در ادامه مشخص شد مقتول راننده تاکسی اینترنتی و همچنین در کار پخش شارژهای گوشی تلفن همراه بوده است.

با به دست آمدن هویت قربانی، خانواده او در شهرستان شناسایی شده و مادر مقتول مدعی بود که پسرش برای کار به تهران آمده و فرار بوده که با زن جوانی به نام شراره ازدواج کند.

ردیابی گوشی سرقتی

از آنجا که عامل با عاملان جنایت گوشی تلفن همراه مقتول را نیز به سرقت برده بودند، ردیابی تلفن همراه وی آغاز و مشخص شد گوشی سرقتی در اختیار نگهبان تعمیرگاهی در منطقه آزادی است. بدین ترتیب کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت راهی تعمیرگاه شده و به تحقیق از نگهبان برداشتند اما وی مدعی شد چند روز قبل گوشی تلفن همراه را در خیابان پیدا کرده است. طبق اظهارات نگهبان تعمیرگاه، محلی که گوشی تلفن همراه پیدا شده بود در نزدیکی محل جنایت قرار داشت همچنین از سوی دیگر مشخص شد شراره که متاهل

است نیز در محدوده صادیه و چند کوچه پایین‌تر از محل جنایت زندگی می کند.

دستگیری زن جوان

در حالی که احتمال می رفت سرخ کشف این معمای جنایی در استان این زن ۳۸ ساله باشد به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت، شراره به همراه همسر و برادر نوجوانش بازداشت شدند.

زن جوان زمانی که در مقابل بازپرس جنایی قرار گرفت خیلی زود به قتل اعتراف کرد و گفت: قتل را به تنهایی انجام دادم و شوهر و برادرم در این جنایت نقشی نداشته‌اند، اما اظهارات ضد و نقیض زن جوان و مدارکی که به دست آمد احتمال اینکه وی هنگام جنایت همدست داشته باشد را پررنگ کرد. بدین ترتیب برادر نوجوان شراره به دادسرای اطفال فرستاده شد و زن جوان و همسرش برای تحقیقات بیشتر در اختیار کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار داده شدند.

گفت و گو با متهم اصلی

■ **مقتول چطور آشنا شدی؟**
دو سال قبل به عنوان مسافر سوار خودروی پرایدش شدم. همان موقع همسرم با من تماس گرفت و سر موضوعی جرو بحثمان شد، ما باهم اختلاف داشتیم و قرار بود که از هم جدا شویم. آن

پایان تلخ

پرونده قتل مقبل دانشگاه

تا انتقام را بگیرم. پیش از خارج شدن از محوطه دانشگاه، یک میلیگرد که در اتاقک نگهبانی بود برداشتم. مقتول به خیابان رفت تا سوار خودرواش که مقابل دانشگاه پارک کرده بود بشود، اما پیش از سوار شدن به سمتش هجوم بردم. میان مادرگیری پیش آمد و میلیگرد ضربه‌ای به سرش زدم که باعث شد جانش را از دست بدهد. متهم در دادگاه پای میز محاکمه رفت

و به دفاع از خود پرداخت. اما با توجه به درخواست اولیای دم برای قصاص، اعتراف به جنایت و مدارک موجود در پرونده، قضات دادگاه کیفری استان تهران او را به قتل رسانده و فرار کرده بود. گزارش این درگیری خونین بلافاصله به بازپرس کشیک قتل و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت برای دستگیری متهم میناسال وارد عمل شده و ساعتی بعد او را در همان حوالی دستگیر کردند.

متهم ۲۴ ساله در رابطه با انگیزه‌اش از این جنایت گفت: من حدود ۲۰ سال در دانشگاه کار می کردم و نگهبان بودم. مقتول مسئول تدارکات و مدیر بخش من بود. اما این اواخر خیلی مرا اذیت می کرد و با او اختلاف داشتم. هم اختلاف کاری و هم مالی. بارها از او خواستم که جایگاه کاری مرا تغییر بدهد اما او اهمیتی به خواسته من نمی داد. همه اینها باعث شد از او کینه به دل بگیرم. تا اینکه شب حادثه وقتی مقتول از محل کارش یعنی از دانشگاه خارج شد، من نیز به دنبال او رفتم

گروه حوادث/

آخرین تلاش‌های مرد زندانی که به جرم قتل همکارش به قصاص محکوم شده بود، پای چوبه دارو برای جلب رضایت اولیای دم بی نتیجه ماند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از شامگاه ۲۲ دی سال ۹۸ همزمان با وقوع یک قتل مقابل دانشگاه امام صادق تهران آغاز شد. به گفته شاهدان مرد میناسال که نگهبان دانشگاه بود یکی از همکارانش که مردی ۲۷ ساله و مسئول تدارکات دانشگاه بود درگیر شده و با زدن میله آهنی به سرش وی را به قتل رسانده و فرار کرده بود.

گزارش این درگیری خونین بلافاصله به بازپرس کشیک قتل و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت برای دستگیری متهم میناسال وارد عمل شده و ساعتی بعد او را در همان حوالی دستگیر کردند.

متهم ۲۴ ساله در رابطه با انگیزه‌اش از این جنایت گفت: من حدود ۲۰ سال در دانشگاه کار می کردم و نگهبان بودم. مقتول مسئول تدارکات و مدیر بخش من بود. اما این اواخر خیلی مرا اذیت می کرد و با او اختلاف داشتم. هم اختلاف کاری و هم مالی. بارها از او خواستم که جایگاه کاری مرا تغییر بدهد اما او اهمیتی به خواسته من نمی داد. همه اینها باعث شد از او کینه به دل بگیرم. تا اینکه شب حادثه وقتی مقتول از محل کارش یعنی از دانشگاه خارج شد، من نیز به دنبال او رفتم

نگاه کارشناس

فهیمة محمدیان/ کارشناس روانشناس بالینی

در ارتباط تلفنی بوده تا اینکه کم کم این ارتباط نیز قطع شده است.

پس از پایان بازجویی‌ها و اعتراف متهم به جنایتی که مرتکب شده است او روانه زندان شد تا زمان محاکمه‌اش فرابرسد.

در یک آرایشگاه مشغول کار بودم و در فضای مجازی هم برای کارم تبلیغ می کردم تا اینکه با سهیل آشنا شدم و به هم علاقه پیدا کردیم می خواستم از شوهرم جدا شوم و با سهیل ازدواج کنم اما او طلاق نمی داد. تا اینکه فهمیدم کسی شوهرم را کشته است اما من نمی دانم چه کسی این کار را کرده است.

با اعترافات این زن سرانجام سهیل هفته گذشته و ۵ ماه پس از این جنایت دستگیر شد. این پسر ۲۶ ساله در بازجویی‌ها مدعی شد وقتی با این زن آشنا شده و فهمیده که شوهرش او را اذیت می کند با خریدن یک اسلحه به همراه یکی از دوستانش به محل کار شوهر این زن رفته و او را با شلیک گلوله کشته است. بعد از قتل نیز مدتی با وی

رویداد ممکن است به صورت ماشه چکان عمل کرده و آنها را برای عبور از خط تشویق کند. در این پرونده شاهد این موضوع هستیم که ناکامی‌های عاطفی بویژه احساس تنهایی و نادیده گرفته شدن، فقدان دریافت توجه کافی از سوی همسر، عدم مهارت در حل تعارضات زناشویی مؤثرترین عوامل در برقراری رابطه فرارناشویی است. همچنین اینترنت با توجه به فضای ناشناخته‌ای که در اختیار کاربران قرار می دهد، از طریق شبکه‌های اجتماعی، افراد را به افشای صمیمانه مشکلات و معضلات زندگی زناشویی سوق می دهد و همین امر موجب برقراری ارتباط‌های نزدیک و صمیمانه بین افراد شده و زمینه را برای گفت‌وگوهای عاطفی آماده می کند.

۵ ماه زندگی مخفیانه بعد از قتل کارمند شرکت

گروه حوادث/

مرد جوان که به خاطر علاقه به یک زن آرایشگر همسر وی را با شلیک ۱۵ گلوله به قتل رسانده بود ۵ ماه پس از این جنایت دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز یازدهم مرداد امسال دو مرد نقابدار با ورود به یک شرکت خصوصی دریکی از شهرستان‌های غرب استان تهران یکی از کارمندان شرکت را به رگبار بسته و فرار کردند. دقایقی بعد وقتی تیم جنایی در محل حادثه حاضر شد با جسد خونین مرد ۳۲ ساله در حالی روبه‌رو شد که ۱۵ پوکه فشنگ نیز در اطراف وی روی زمین افتاده بود. تحقیقات پلیس از شاهدان حادثه آغاز شد. یکی از آنها به افسر پرونده گفت: نزدیک ظهر بود که یک موتورسوار

با فرد دیگری که در ترکش سوار بود ناگهان وارد شرکت شده و از پشت شیشه همکارمان را هدف شلیک گلوله قرار دادند.

در ادامه تحقیقات کار آگاهان به سراغ همسر مقتول رفتند اما وی مدعی شد از علت این جنایت بی‌خبر است و شوهرش با کسی مشکل و اختلافی نداشته است. با این حال کار آگاهان در کنترل نامشعوس این زن دریافتند وی با مرد جوان غریبه‌ای به نام سهیل در ارتباط است. بدین ترتیب زن جوان بازداشت شد و در نهایت لب به اعتراف گشود. وی که یک فرزند چهارساله دارد گفت: من با شوهرم خیلی اختلاف داشتم او به من بی‌توجهی می کرد و فقط به ظاهر با هم در یک خانه زندگی می کردیم. من